مسافر سنت در هزاره سوم

حجت الاسلام محمدرضا زائری
پژوهشگر دینی

شنبه- رخت آویز تا شو را در گوشه هال باز کرده ام و دارم رخت ها را از ماشین لباس شویی درمی آورم که ببرم پهن کنم. صدای دختر کوچکم که از کنجکاوی به سراغ رخت آویز رفته است، بلند می شود که «آی دون نو». بدون آنکه نگاه کنم سری تکان می دهم و می گویم آفرین، آفرین. دوباره می گوید «آی دون نو». همان طور که دارم لباس ها را درمی آورم، می گویم خانم بیا ببین دخترم چقدر خوب انگلیسی حرف می زند و بعد جوابش را می دهم که می تو، آی دونت ناو تو! دفعه سوم دخترک با صدای بلندتر و لحنی که شبیه ناله است می گوید آی دون نو! وقتی با سبد رخت ها بالای سرش می رسم، می بینم انگشتش لای میله رخت آویز گیر کرده و داشته می گفته است «انگشتم»، نه آی دونت ناو!

یکشنبه- برای سفری یک روزه سوار هواپیما شده ام؛ صندلی ها کیپ در کیپ، اشغال است. مسافران با صدای بلند حرف می زنند و بی محابا سرفه می کنند. هیچ خبری از مراقبت های کرونا نیست جز اینکه وقت ورود ماسک می دهند و پذیرایی را حذف کرده اند!

دوشنبه- با مادرم تلفنی صحبت می کنم، بابت یکی از نوشته های اینستاگرام تذکر می دهد. خیلی ناراحت است از چیزهایی که می نویسم. نمی دانم چه باید کرد. بی گمان، در این دوراهی جلب رضایت مادر و همسر و ایجاد امنیت روانی خانواده ترجیح دارد!

سه شنبه- همان موقع که همسرم دخترک را به من سپرده است گوشی تلفن همراهم زنگ می خورد. شماره دوستی ارجمند را می بینم و ناچار جواب می دهم. با اینکه می داند این ساعت شب وقت خانواده و استراحت است، اصرار دارد درباره موضوعی کاری حرف بزند. هنوز ابتدای صحبت است که دخترم با شدت می خورد به دیوار و از گریه غش می کند. نمی فهمم گوشی تلفن را چگونه رها می کنم و به سوی دخترک خیز برمی دارم. چند دقیقه بعد که دخترک قدری آرام شده است، پیامک عذرخواهی آن دوست را می بینم.

چهارشنبه- یک تاکسی اینترنتی را به مقصدی دور سوار شده ام و راننده با دیدن عبا و عمامه من سر حرف هایش باز می شود و درد دل می کند. به صراحت می گوید که نماز نمی خواند و به هیچ چیز اعتقاد ندارد. به زمین و زمان فحش می دهد و بعد از کلی شکایت و ایراد و انتقاد، وقتی به مقصد نزدیک می شویم، می گوید ولی این وسط فقط از رهبر خوشم می آید و گاهی در تلویزیون صحبت هایش را گوش می کنم. نمی دانم چرا دوستش دارم!

پنجشنبه- در میوه فروشی خانمی که پشت سرم ایستاده و منتظر نوبت پرداخت است، می گوید ببخشید فضولی نباشه، کاهویی که برداشته اید لکه دار و تلخ است! از اینکه باعث نجاتم از سرزنش اهل خانه شده است، تشکر می کنم و می گویم خانم! من اگر کاهوی سالم و گندیده را تشخیص می دادم که حال و روزم این نبود!

زین قند پارسی

علیرضا حیدری|مدرس و ویراستار

ناویراسته ✗
«حملات شدید جنگنده‌ها بناهای تاریخی را ویران ساخت.»

ویراسته ✓
«حملات (حمله‌های) شدید جنگنده‌ها، بناهای تاریخی را ویران کرد.»

نکته
ساختن به معنی مثبت «درست کردن»، «آباد کردن» و «سامان دادن» و... است؛ پس شایسته است که به جای «ویران ساختن» و «نابود ساختن»، بگوییم: «ویران کردن» و «نابود کردن» و....

#زین_قند_پارسی

حدیث روز

چگونه دلشاد هستی به عمری که هر ساعت بگذرد از آن کم می شود.

امام علی(ع)

رطوبت هوا ۵۴٪ | ۸° ↓ ۲۱° ↑

صبح ۶ | ظهر ۱۸ | عصر ۱۶ | شب ۱۳

اذان ظهر ۱۱:۳۹:۴۹ | نیمه شب شرعی ۲۲:۵۷:۴۱
غروب آفتاب ۱۷:۴۰:۳۵ | اذان صبح فردا ۰۴:۱۳:۱۵
اذان مغرب ۱۷:۵۸:۴۷ | طلوع آفتاب فردا ۰۵:۳۷:۳۶

روزنامه شهر امید و زندگی
SHAHRARANEWS.IR
۴ شنبه
۲۷ ۱۲ ۹۹
۶۸ صفحه: ۱۲ صفحه + ۴ صفحه ورزشی
۱۶ صفحه شهرآرا محله + ۳۶ صفحه کوله پشتی
شماره ۳۳۴۸ | ۱۰۰۰ تومان
میثاق‌نامه اخلاق حرفه‌ای

روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع رسانی
صاحب امتیاز: شهرداری مشهد
مدیر مسئول و سردبیر: سید هادی فیاضی
نشانی: میدان شهدا، نبش دانشگاه ۱
دفتر مرکزی: ۵ - ۳۷۲۸۸۸۸۱
نمابر: ۳۷۲۳۸۳۱۰
روابط عمومی: ۳۷۲۴۳۱۱۰
شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۹
چاپ: شهر چاپ خراسان

کارتون شهر

محمدرضا میرشاه‌ولد

علت اختلال در اینترنت نوسان های برق است!

میراث عرفانی پیر هرات

روایت روز

الهی اگر دوستی نکردیم، دشمنی هم نکردیم. الهی اگرچه بر گناه مصریم، بر یگانگی حضرت تو مقریم

خواجه عبدا... انصاری

امید حسینی نژاد
روزنامه نگار

آنچه به نام خواجه عبدا... انصاری در میان کتاب خوان ها و مردم عامه مشهور است، از او نیست و آنچه از اوست در میان مردم شهرت ندارد. مناجات های خواجه عبدا... انصاری در متون ادبی و عرفانی ما شناخته شده است. در میان مردم نیز این مناجات ها مشهور و متداول است، گرچه برخی در اصالت بخش هایی از این اثر تشکیک کرده اند و آن را از نوشته های قلمی خواجه نمی دانند.

دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی در کتاب «در هرگز و همیشه انسان» که میراث عرفانی خواجه عبدا... انصاری را منتشر کرده است، می گوید: «کمتر فارسی زبان فرهیخته ای را می توان یافت که چند سطری از مناجات های انصاری به یاد نداشته باشد. نثر هنری و شیوای مناجات ها سبب شده است که صاحبان حافظه های خوب، اغلب پاره ای از نثر او را به مانند شعر، به یاد سپرده اند و بدان دل بستگی نشان می دهند. آنچه بر سر زبان هاست، گاه هسته ای از خلاقیت انصاری در خویش دارد و گاه برساخته کسانی است که اسلوب او را تقلید کرده اند و نثر مسجعی، در اخلاق یا الاهیات، به وجود آورده اند و جامعه نیز به دلیل داشتن نوعی فرم- که لازمه هر هنری است- آن پرداخته ها را به حافظه خویش سپرده است.»

مردی از تبار فرزانگان

ابواسماعیل عبدا... بن ابی منصور محمدزاده، دوم شعبان ۳۹۶ قمری در شهر هرات زاده شد. او معروف به «پیر هرات» و «پیر انصار» و «خواجه عبدا... انصاری» و «انصاری هروی»، دانشمند و عارف صوفی مسلک ایرانی بود. وی به عنوان یکی از نوابغ ادبی و چهره های شاخص و خراسان قدیم در قرن ۵ قمری شناخته می شود که به عنوان مفسر قرآن، محدث، اهل فن جدل و استاد اخلاق، دستی بر آتش داشته است. عمده شهرت وی به دلیل فن سخنوری، اشعار و متون نغز و بی مانندش به ویژه در مدح و ثنای خداوند به زبان های عربی و فارسی بوده است.

وی از نوادگان ابوایوب انصاری، یکی از صحابه پیامبر(ص)، بود. مادرش از مردم بلخ بود و عبدا... خود در هرات، یکی از شهرهای غربی افغانستان کنونی، متولد شد و از کودکی زبانی گویا و طبعی توانا داشت، چنان که شعر فارسی و عربی را نیکو می سرود و در جوانی در علوم ادبی و دینی و حفظ اشعار عرب مشهور بود، به ویژه در حدیث قوی بود و آمالی بسیار داشت و در فقه روش امام حنبل را پیروی می کرد.

وی در تصوف از استادان زیادی تعلیم گرفت و ۲ بار به دیدار شیخ ابوالحسن خرقانی شتافت و این دیدارها تأثیر زیادی در روحیه و منش وی داشته است. محل اقامتش بیشتر در هرات بود و در آنجا تا پایان زندگانی به تعلیم و ارشاد اشتغال داشت.

انصاری شعر می سرود، ولی بیشتر شهرت وی برای رساله ها و کتب مشهوری است که تألیف کرده است و از آن جمله است ترجمه املاء طبقات الصوفیه سلمی به لهجه هروی و تفسیر قرآن که اساس کار میبدی در تألیف کشف الاسرار قرار گرفته است.

جایگاه او در ادب فارسی

شیخ الاسلام در ادب فارسی نیز نویسنده مقتدر و شاعر حساس و نیکوسخنی بود، وی در ادب فارسی سبک نثر فنی و مصنوع مسجعی را رواج داد که جنبه ابتکاری دارد.

سخن شناسان فارسی از قدیم او را مبتکر کلام سجع گونه شناخته اند، حتی نثر شیخ سعدی نیز تحت تأثیر سبک شیخ الاسلام به وجود آمده است و در این باره ملک الشعرا بهار می گوید: «ظاهرا باید نخستین سجع ساز فارسی را شیخ الاسلام عبدا... انصاری شمرد. وی از پیشوایان و بزرگان عرفاست و مناجات او سرتاسر مسجع است. اسجاعی که خواجه عبدا... آورده نوعی از شعر است، زیرا عبارت های او بیشتر قرینه هایی است مزدوج و مرصع و مسجع که گاهی به تقلید ترانه های هشت هجایی و قافیه دار عهد ساسانی مه لختی است که عرب در ارجوزه های قدیم خود از آن ها تقلید می کرد و نمونه ای از آن در ترانه کودکان بلخ در طبری موجود است.»

باری شیخ الاسلام نویسنده مبتکر فارسی است، اما مناجات های منسوبه اش را با قید احتیاط باید خواند. زیرا بیشتر آن به دست نویسندگان بعد تصحیف و تحریف شده است و آنچه با مناجات های وی در «طبقات الصوفیه» و «کشف الاسرار» میبدی مطابقت ندارد، قابل اعتماد نخواهد بود.

خواجه عبدا... انصاری بعد یک عمر آموزش، بحث، ارشاد و پس از تحمل چندین نوبت تبعید و حبس، عاقبت در سحرگاه جمعه ۲۲ ذی الحجه ۴۸۱ در هشتاد و پنج سالگی در زادگاهش، هرات، دنیا را وداع گفت.

آرامگاه خواجه عبدا... از جایگاه خاصی در میان مردم افغانستان به ویژه شهروندان هراتی برخوردار است و در لهجه مردم هرات، وی به نام های «خووجه انصار»، «پیرهرات»، «خواجه عبدا... انصاری» و «گازرگاه شریف» معروف است.

هم اکنون نوادگان خواجه عبدا... انصاری متولی آرامگاه وی هستند و در طول سالیان به ویژه ۳ دهه جنگ افغانستان از بنای این آرامگاه محافظت کرده اند، اما با این حال این آرامگاه از مشکلات طبیعی در امان نمانده و چندین مرتبه مرمت و بازسازی شده است. سرآخر این مقال را با سخنی از خواجه به پایان می بریم.

«بدان که: علم زندگانی است و حکمت آینه و خرسندی حصار و امید شفیع و ذکر دارو و توبه تریاق. توبه: نشان راه است و سالار و کلید گنج و شفیع وصال و میانجی بزرگ و شرط قبول و سر همه شادی.»

پرچم عباس(ع) و سیرت جانباز

یادداشت

غلامرضا بنی اسدی
روزنامه نگار

سیادت به حسین علیه السلام می آید و شهادت هم. ترکیب «سیدالشهدا» برای تجزیه جهان بر مدار حق و باطل، کافی است. چه در عالم هرچیز یا حسینی است، یا باطل است. حق همان است که در نماز خوف حسین(ع) در کربلا اقامه می شود. حق همان است که سیادت می شود و به حسین می آید، چنان که پرچم داری به عباس. چه پرچم اطاعت، چه پرچم نبرد، چه پرچم وفا. عالم، همان که محضر خداست، گواه این «آمدن» و آراستگی است. مدینه، مکه، کربلا و همه منازلی که در میانشان است، شاهد نوفرات گواه همیشه جاری این حقیقت است، به هر قطره اش و بر هر لبی که بنشیند. در رگ هر مجاهدی که به غیرت برخیزد، باز تحریر آزادانه این است که پرچم داری به عباس(ع) می آید. جانبازان همواره شهید که به روزگاران می آیند هم انگشتشان سرخ است بر برگه شهادت، به اینکه «پرچم داری به عباس(ع) می آید». صبوری شان، درد خواهی شان و بلاکشیدنشان، همه نیز به برکت همان امضاست. ببینید جانبازان ما را و تفاوتشان را با دیگر مجروحان جنگی جهان. بسنجید تا بفهمید قصه عباس(ع) چیست و راز مانایی فرزندان زخم خورده و شهیدزیسته این دیار را چگونه باید فهمید. هرکس می خواهد جانبازان ما را بشناسد، حضرت عباس(ع) را زندگی خوانی کند و هرکه می خواهد سطور روشن حیات ابوالفضلی را فهم کند، در مکتب جانبازان ما به دانش آموزی بنشیند تا به فهمی کمال یافته برخیزد و قامت رشید کند که رسیدن به رشادت بی درک شهادت میسر نیست. آری، سیادت به حسین(ع) می آید و پرچم داری به عباس(ع) و باید این دوگانه را چنین به سه گانه رساند که قافله سالاری هم به سجاد(ع) می آید. چه سالاری کاروان کربلا تا طلوع صبح از شام و چه قافله کلماتی آسمانی که در شکوه دعا کنار هم می نشینند تا انسان را به معرفت مبعوث کنند. به راستی که اگر نبود حضرت سجاد(ع)، اگر نبود کلمات نورانی و خطبه های «شام شکن» و سخنان «بنیان کن» ایشان، می خواستند کربلا را در همان کربلا دفن کنند و پرچم را در کنار دستان قطع شده پرچم دار به غبار فراموشی بسپارند و «باطل آشکار» خود را «حق مبین» جلوه دهند، اما سجاد(ع)، اما «ان ابن مکه ومنا»، اما «ان ابن زمزم وصفا» و... راه را دوباره به کربلا برگرداند تا امروز هم بدان حقیقت آشکار، مسیر خود را تنظیم کنیم و در کربلایی که به وسعت جبهه ها بر پا شد، هرکدام مان برای خود الگویی تام و اسوه ای رشید داشته باشیم و حسرت نشستن را در دل دشمن بگذاریم. شهیدانمان به نام حسین(ع) ایستادند و جانبازان ما هر روز به نام عباس(ع) شهادت را اقامه می کنند و آزادگان ما در شکوه قافله ای که رفتن را سرشار آمدن داشتند، اسارت را به درک معنای آزادگی اعتلا بخشیدند. این همه روشنایی که در جان داریم، به برکت این فرزندان رشید ایران است که با حسین و عباس و سجاد علیهم السلام حرکت کردند و قرار است بر همین صراط مستقیم بمانند.

کیوسک

فایننشال تایمز

روزنامه فایننشال تایمز، در تیتر یک خود به نگرانی ها درباره واکسن استرازنکا پرداخته است. با وجود اینکه دانشگاه آکسفورد، سازنده این واکسن و سازمان بهداشت جهانی اعلام کرده اند که هیچ ارتباط مستقیمی میان تزریق این واکسن و تشکیل لخته خون وجود ندارد، آلمان، ایتالیا، فرانسه و اسپانیا تزریق آن را متوقف کرده اند.

ایندیپندنت

روزنامه بریتانیایی ایندیپندنت، افزون بر پرداختن به موضوع تعلیق واکسن استرازنکا از سوی کشورهای اروپایی، در تیتر یک خود با عکسی از فیلم «یهودا و مسیح سیاه» به معرفی نامزدهای جایزه اسکار امسال پرداخته است. این روزنامه با تیتر «گامی روبه جلو برای اسکار؟» از تحولات فرهنگی در روند انتخاب برگزیده های جایزه اسکار نوشته است.

واشنگتن پست

روزنامه آمریکایی واشنگتن پست در صفحه نخست خود وضعیت نامناسب محله های لاتین آمریکا را در هنگام بحران کرونا به تصویر می کشد. این روزنامه می نویسد که میزان مرگ و میر بر اثر کرونا در جوامع لاتین دست کم دوبرابر این مقدار در جوامع سفیدپوستان و آمریکایی های آسیایی است. با این حال دولت آمریکا تاکنون این جوامع را نادیده گرفته است.

مجله عصر شهرآرا هجده شصت

برای خواندن مجله عصر شهرآرا کد را اسکن کنید

ادامه از یادداشت روز صفحه یک

تغییرات اجتماعی و کووید ۱۹

...۲- **آموزش**: گمان می رود که نبود حضور دانش آموزان در مدرسه و حضور پیوسته آن ها در خانه، آثار تربیتی و روانی ویژه ای داشته باشد که باید منتظر کیفیت و کمیت این آثار بود. به احتمال فراوان نابرابری آموزشی تشدید می شود، زیرا دسترسی افراد به امکانات آموزش و نیز توانایی های پدر و مادرها بسیار متفاوت تر و نابرابر با امکانات مدرسه است. در نتیجه احتمال دارد که نابرابری آموزشی بیشتر شود. تغییرات سبک آموزش و ورود به عرصه آنلاین، بدون شک اتفاق مهمی است که با رفع بحران کووید ۱۹ بخشی از این تغییرات تداوم خواهد یافت.

۳- **نابرابری**: تردید نباید داشت که نابرابری و از آن بدتر عمق و گستره فقر بیشتر می شود. آثار ناشی از افزایش فقر و نابرابری را باید در همه حوزه های اجتماعی مانند ازدواج، جرم و خشونت، مشکلات روحی و روانی، بی ثباتی اجتماعی و... مورد توجه قرار داد.

۴- **جرم و خشونت**: هنوز آمار و شواهد دقیقی درباره کاهش یا افزایش جرم و خشونت ارائه نشده است. در نتیجه نمی توان در این باره اظهار نظر دقیقی کرد. اما اگر افزایش نابرابری و فقر را نتیجه قطعی کووید ۱۹ بدانیم، می توان انتظار داشت که هر دو پدیده بیشتر از پیش شوند. فراموش نکنیم که با نبود آمار و اطلاعات و انتشار نیافتن آن ها، شواهد نشان می دهد که سرقت، به ویژه سرقت چیزهایی که در گذشته دیده نمی شد، افزایش یافته است.

۵- **دین**: شاید در تاریخ این سرزمین بی سابقه باشد که به مدت یک سال انجام بخش مهمی از مناسک و مراسم جمعی دینی دچار وقفه شود. مهم تر اینکه برخی معتقدان همیشه چنین تصور می کردند در شرایطی که مشکلات به آنان حمله ور می شود، می توانند با پناه بردن به این مناسک و مراسم، گامی برای حل مسئله بردارند و امیدی پیدا کنند، اما این بار دچار بلایی شده اند که برای خلاصی از آن باید از حضور در این مناسک پرهیز کنند. این نکته ای است که پیش تر با آن روبه رو نشده بودند.

۶- **وضعیت روانی**: شاید ارزیابی آثار کووید ۱۹ بر وضعیت روانی افراد نیازمند مطالعات جدی باشد. تنهایی بخشی از مردم، احساس ناتوانی در برابر بیماری و احساس ناامیدی از زندگی و افزایش خودکشی، همگی آثاری است که می تواند تشدید شود و افراد بیشتری را با این وضعیت روبه رو کند. این وضعیت از طریق تعداد مراجعان بیمار، میزان داروهای مصرفی این نوع بیماران یا تعداد خودکشی ها و... می تواند به راحتی سنجش شود، اما گویا هیچ علاقه ای به انتشار اطلاعات در این زمینه ها وجود ندارد و در نتیجه جامعه نیز حساسیت لازم را برای رویارویی با آن ها پیدا نمی کند.

این خلاصه ای کوتاه و محدود از تغییرات احتمالی در وضع اجتماعی و روانی جامعه بود که به صورت فرضیه بیان شد. اطلاعات برخی از آن ها در دسترس و قابل تأیید و راست، مثل رشد جمعیت، اما اطلاعات موارد دیگر در دسترس قرار نمی گیرد و فقط بر اساس تحلیل و گمانه و شواهد انگشت شمار، می توان نظر داد.